

عنوان مقاله:

جستجوی نور بابا افضل کاشانی در گلشن راز شبستری

محل انتشار:

پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

نویسندگان:

لیلا گلوی - دانشآموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان

مهرداد نصرتی - دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه یزد

خلاصه مقاله:

در آثار عرفانی منظوم در ادب فارسی، معمولا کلمات معنای اصطلاحی پیدا می کنند. این اصطلاحات به صورت معناداری پیوستگی با چگونگی اندیشه شاعر عارف دارند، به نحوی که تنها پس از آشنایی با نوع نگرش عرفانی شاعر می توان به کنه کلام و منظور وی از آن کلمه خاص پی برد. بدین طریق می توان با مقایسه میان منظور شعرای عارف از کاربرد کلمه ای در معنای اصطلاحی، به نوعی، اندیشه ایشان را با یکدیگر قیاس و وجوه شباهت و تفاوت آن را معلوم کرد. در این پژوهش که داده های کتابخانه ای آن با روش تحلیل، توصیف و مقایسه بررسی می شود، تلاش شده است تا مفاهیم اصطلاحی کلمه نور و مترادفات آن، در اندیشه باباافضل کاشانی و شیخ محمود شبستری مقایسه، و وجوه تشابه و تمایز آن معلوم گردد. مبتنی بر انگاره وحدت وجود، نور در هر دو منبع، تنها روشنی بخش خلقت است و دل انسان محل تعقل و عقل تنها مظهر و انعکاس دهنده نور حق است و برای رسیدن به چنین مقامی که در آن دل انسان به واسطه عقلی که در آن است، آینه ای برای انعکاس نور خداوندیشود، لازم است تا انسان از خودبینی و خودرایی عبور و بکلی از انانیت نفس تهی شود. در بیانات این دو شاعر عارف مسلک اختلافات ظاهری نیز وجود دارد و از جمله این که باباافضل مستقیما عقل را مورد عنایت قرار داده است، حال آنکه شبستری حساب کار آن گروه موسوم به عقل گرایان که تصورات خویش را به جای تعقل و تفکر پنداشته اند، از تعقل واقعی جدا می سازد.

کلمات کلیدی:

شعر عرفانی، نور، باباافضل کاشانی، شیخ محمود شبستری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1044029>

